

## موانع همگرایی در شورای همکاری خلیج فارس از منظر ژئوپلتیک

محمدجعفر جوادی ارجمند<sup>۱</sup>  
حسن احمدی<sup>۲</sup>

**چکیده:** امروزه نقش عوامل ژئوپلتیک در همگرایی و واگرایی کشورها و تحلیل گروه‌بندی‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای بر کسی پوشیده نیست. از این منظر ژئوپلتیک توانسته است الگوهای جدیدی از رقابت، منازعه، همکاری، واگرایی و همگرایی را در سطوح مختلف ترسیم نماید. شورای همکاری خلیج فارس که یک نمونه از این گروه‌بندی‌ها می‌باشد از ابتدای تأسیس در سال ۱۹۸۱ به‌رغم وجود بسترهای همگرا مانند علائق دینی و فرهنگی مشترک و وابستگی‌های تمدنی نتوانسته است الگوی موفق‌تری از یک سازه منطقه‌ای همسان در ژئوپلتیک ارائه دهد. این مقاله کوشیده است موانع همگرایی در این شورا را مورد کنکاش قرار دهد. برای این منظور پس از ذکر تاریخچه‌ای مختصر از چگونگی شکل‌گیری این شورا، موانع همگرایی در قالب مباحث ژئوپلتیکی در محورهایی مانند اختلافات مرزی، بحران‌های هیدروپلتیک، منازعات هژمونیک، نامتوازن بودن سطح توسعه، مناقشات ایدئولوژیک و چالش پولی در کشورهای عضو مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

**واژگان کلیدی:** همگرایی، ژئوپلتیک، اختلافات مرزی، تعارضات درونی، واگرایی، هیدروپلتیک.

۱. دکتر محمدجعفر جوادی ارجمند، عضو هیأت علمی گروه علوم انسانی دانشگاه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه

mjjavad@ut.ac.ir

تهران

۲. آقای حسن احمدی، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه مازندران

hab9113@yahoo.com

## مقدمه

با پایان جنگ سرد تلاش دول مستقل برای تقویت همگرایی‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای افزایش یافت و این رویه به یکی از مشخصه‌های اصلی سیاست، اقتصاد و به تبع آن جغرافیای سیاسی مبدل گشت. به‌رغم تجارب موفق همگرایی‌های منطقه‌ای در اغلب مناطق جهان از جمله اروپا، خاورمیانه به عنوان یک استثنا در این خصوص محسوب می‌شود. تلاش‌های انجام گرفته در این منطقه برای پیشبرد همگرایی منطقه‌ای و تضعیف عوامل واگرا موفقیت‌آمیز نبوده و به گفته برخی تحلیل‌گران چشم‌اندازی روشن نیز در این مورد وجود ندارد. با این حال برخی تلاش‌های منطقه‌ای برای همگرایی مانند شورای همکاری خلیج فارس به دلیل موقعیت ژئوپلتیک آن و همسایگی با ایران حائز اهمیت و بررسی است. شاید از ۲۵ می ۱۹۸۱ تاکنون برای دوام یک اتحادیه منطقه‌ای زمان زیادی محسوب نشود اما می‌توان از همین مدت زمان، انتظار قوام یک شورای منطقه‌ای که از وابستگی‌های تمدنی برخوردارند را داشت. شورای همکاری خلیج فارس (PGCC) که با گردهمایی شش کشور بحرین، قطر، عربستان سعودی، امارات عربی متحده، عمان و کویت در می ۱۹۸۱ شکل گرفت، اهداف خود را اتحاد، هماهنگی، ایجاد قوانین جامع مشترک اقتصادی، سیاسی، امنیتی، تقویت فعالیت‌های علمی-تکنولوژیک، ایجاد صلح و ثبات در خاورمیانه، تشویق پیشرفت‌های علمی و فنی در میان کشورهای عضو، ایجاد یک استراتژی مشترک دفاعی، همکاری اطلاعاتی در مقابله با اقدامات، به منظور براندازی و نیز مقابله با گروه‌های مخالف تثبیت همکاری کشورهای عضو اعلام نمود (روشندل و سیف‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۴۸).

براساس آمار رسمی، جمعیت شش کشور عضو در سال ۲۰۱۰ بالغ بر ۳۸/۶ میلیون نفر بوده ([www.gccsg.org/index.php](http://www.gccsg.org/index.php)) و مساحت این منطقه نیز ۲ میلیون و ۶۷۰ هزار کیلومتر مربع می‌باشد. در سال ۲۰۱۲ در سایت رسمی شورای همکاری، جمعیت کشورهای عضو ۴۵ میلیون نفر عنوان شده است (<http://www.gcc-sg.org>). تولید ناخالص داخلی این کشورها در سال ۲۰۰۶ بالغ بر ۷۱۴ میلیارد دلار و صادرات آن ۱۱۶ میلیارد دلار و درآمد سرانه هر شهروند ۲۰ هزار و ۴۰۰ دلار بوده است. تولید ناخالص داخلی این کشورها در سال ۲۰۱۲ بالغ بر ۱/۳۷ تریلیون دلار و درآمد سرانه هر شهروند ۲۹ هزار و ۹۰۰ دلار بوده است. حجم ذخایر نفتی این کشورها بالغ بر ۴۸۴ میلیارد بشکه و حجم ذخایر گازی آن‌ها نیز ۱۴۳۸ تریلیون مترمکعب بوده است. اکنون که سی سال از تأسیس این شورا می‌گذرد به‌رغم مشترکات فرهنگی اعضا (اشتراک زبانی، فرهنگ واحد و وابستگی‌های تمدنی) همچنین، موفقیت‌های قابل توجه در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی، به اذعان کشورهای عضو این شورا در روند همگرایی

استراتژیک خود با چالش‌های جدی دست و پنجه نرم می‌کند به گونه‌ای که تحقق اهداف و نیل به چشم‌انداز را در هاله‌ای از ابهام فرو برده است.

### مبانی تئوریک

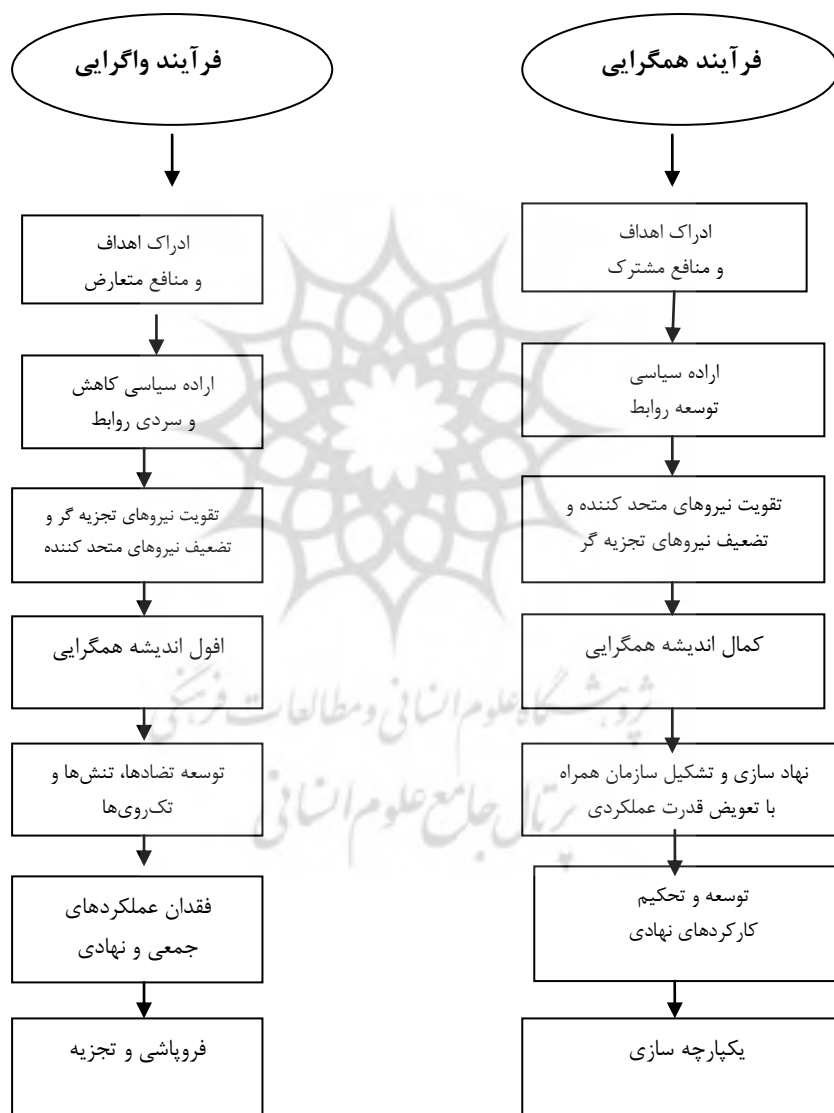
آرمان وحدت و همگرایی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از دیر باز الهام‌بخش جنبش‌های فکری بوده و اساس شکل‌گیری جوامع بشری را تشکیل می‌داده و این ایده در دوران معاصر نیز از اهمیت آن کاسته نشده است. اگرچه نخستین ردهای همگرایی در آثار ارسطو، ابن خلدون، هابز و آگوستین یافت می‌شود، اما همگرایی به عنوان یک تئوری نخستین بار توسط دیوید میتزانی در سال‌های بین دو جنگ جهانی مطرح شد. (کازمی، ۱۳۷۰: ۲۳ و ۲۲). وی معتقد بود پیچیدگی روزافزون نهادهای حکومت از اهمیت کارشناسان سیاسی و سیاستمداران کاسته و در عوض کفه را به نفع کارشناسان فنی که با کارهای سیاسی سر و کار چندانی ندارند سنگین کرده است. به نظر میتزانی ایجاد شبکه گسترده‌ای از سازمان‌های اقتصادی و اجتماعی بین‌المللی که زمینه‌ساز همگرایی هستند بهترین راه برای مقابله با وضعیت بحران‌آمیز است (Dougherty, 2000: 281).

همگرایی و واگرایی علاوه بر کاربرد در حوزه روابط بین‌الملل، یکی از محوری‌ترین الگوهای رفتاری در ژئوپلیتیک محسوب می‌شود. این دو رفتار در کنار امنیت، تهدید، جنگ و منازعه، صلح و همکاری و روابط ژئوپلیتیک از کلیدی‌ترین الگوهای رفتاری در ژئوپلیتیک است، زیرا پیدایش، شکل‌گیری، بقا، نابودی و احیای مجدد آن‌ها محصول تعامل عناصر سه‌گانه جغرافیا، سیاست و قدرت می‌باشد. به عبارتی نمی‌توان موردی از فرایند همگرایی و واگرایی و یا یکپارچگی و تجزیه را سراغ گرفت که متغیرهای جغرافیا، سیاست و قدرت در ابعاد مختلف آن نقش ایفا نمایند.

همگرایی به لحاظ مفهومی عبارتست از: تقریب و نزدیک شدن افراد به سمت نقطه‌ای مشخص که معمولاً به عنوان هدف مشترک آنان شناخته می‌شود و واگرایی در برابر آن عبارتست از تفکیک و جدایی از همدیگر و دور شدن آن‌ها از هدف مشترک و حرکت به سمت هدف‌های خاص (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۷۳). از سوی دیگر اتحاد گروهی از کشورها که با اهداف و مقاصد مشترک اقتصادی، سیاسی و دفاعی صورت می‌گیرد (هاگت، ۱۳۷۶: ۴۱۶)، زمینه‌های نوعی همگرایی منطقه‌ای را به وجود می‌آورد که متفاوت با گروه‌بندی منطقه‌ای است و به معنای درهم‌آمیزی اقتصادی، سیاسی و

استراتژیک کشورها در منطقه ویژه‌ای برای پدید آمدن یک نظام منطقه‌ای یک‌پارچه خواهد بود (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۲۰۵). نمودار زیر فرایند این دو رفتار را نشان می‌دهد:

شکل ۱. برآیند فرایندهای همگرایی و واگرایی



در سیاست بین‌المللی واگرایی عبارتست از فرایندی که طی آن واحدهای سیاسی و دولت‌ها از همدیگر دور شده و در اثر آن زمینه‌های بحران و جنگ فراهم می‌آید (قوام، ۱۳۷۰: ۲۲۹) و تحت تأثیر عوامل مختلفی می‌باشد از جمله: گسیختگی فضایی و جغرافیایی و فقدان بستر و کالبد یک‌پارچه‌ساز به‌ویژه در مقیاس محلی و منطقه‌ای، گسیختگی، تضاد و تعارض فرهنگی، دینی و ایدئولوژیک، تعارض منافع ملی و جمعی در امور منطقه‌ای و جهانی، بروز تعارضات درون‌ساختی و نگرش رقابت‌آمیز اعضا نسبت به یکدیگر، محو شدن اهداف یا تهدیدات مشترک اعضا، وجود سازه‌های ائتلافی رقیب، بروز تحولات درون‌ساختی اعضا و رقابت اقتصادی (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۸۰). وقتی بازیگران مستقل سیاسی در یک منطقه از یکدیگر فاصله گرفته و رغبتی به همکاری و انفاق منطقه‌ای با هم نداشته باشند گفته می‌شود که بازیگران این واحد سیاسی واگرا شدند یعنی زمینه‌های وحدت و پیوستگی را نادیده گرفته و از دست داده‌اند. ولی هر قدر میزان ارتباط میان اعضا، درک آن‌ها از مشکلات و نیازهای یکدیگر بیشتر باشد و منافع جمعی را فدای آنچه که ممکن است منافع تنگ نظرانه ملی خوانده شود نکنند، امکان موفقیت همگرایی بیشتر است.

پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و از منظر ژئوپلیتیک موانع همگرایی را در ۶ کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس مورد بررسی قرار داده و این عوامل را تجزیه و تحلیل می‌نماید.

**الف) اختلافات مرزی:** یکی از موانع ژئوپلیتیک همگرایی که شورای همکاری خلیج فارس با آن مواجه است اختلافات مرزی بین کشورهای عضو است. به نظر می‌رسد ریشه اختلافات مرزی به شکلی ناهمگون به مرزبندی بریتانیایی در قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی بر می‌گردد که نتیجه آن بروز اختلافات گسترده ارضی در خاورمیانه و از جمله کشورهای عربی می‌باشد. از جمله این اختلافات اختلاف مرزی بین عربستان و قطر است (جعفری‌ولدانی، ۱۳۷۱: ۵۲) که هر از گاهی اوج می‌گیرد، به‌طوری که در اوت ۱۹۹۲ بین دو کشور درگیری مسلحانه رخ داد و یک تبعه سعودی و دو تبعه قطری کشته شدند و در نوامبر همان سال دوحه شرکت در جلسه شورای همکاری را در سطح وزیران تحریم نمود. اگر چه موافقت‌نامه ۱۹۶۵ اکنون بین دو کشور به اجرا درآمده ولی این دو کشور همچنان بر سر منطقه "ابوالخفوس" و "جزیره حالول" اختلاف دارند (اکبر، ۱۳۸۷: ۶۱).

در سال ۲۰۰۵ دولت قطر تابعیت قطری حدود ۴۰۰۰ نفر از قبیله بنی مره را به اتهام دست داشتن در ناآرامی‌های ۱۹۹۷ لغو و تمام دارایی‌های آن‌ها را ضبط و آن‌ها را از قطر اخراج کرد به طوری که تعداد زیادی از این افراد به سمت مناطق شرقی عربستان

رفتند. این موضوع باعث اعتراض شاهزاده طلال بن عبدالعزیز برادر پادشاه عربستان گردید (www.farsnews.com). از دیگر موارد اختلافات مرزی بین اعضای شورای همکاری می‌توان به اختلاف مرزی بین عربستان و امارات عربی متحده اشاره نمود. امارات معتقد است منطقه "خورالعید" که دارای ۸۰ حوزه نفتی و حدود ۶۵۰ میلیون مترمکعب گاز طبیعی است و در توافق‌نامه جده به عربستان تعلق گرفته در شرایطی بوده که کشور امارات در حال موجودیت یافتن بوده و این مالکیت فاقد مشروعیت است و عربستان نیز مادامی که امارات به ادعاهای ارضی خود ادامه می‌داد از شناسایی این کشور خودداری می‌کرد (مجتهدزاده، ۱۳۸۵: ۷۲). اکنون نیز امارات گاه و بیگاه این ادعاهای خود را زنده می‌کند (جاسبی، ۱۳۸۰: ۱۵۹) و هر بار نیز این موضوع بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های داخلی دو کشور و رسانه‌های بین‌المللی داشته است (Spencer, 2010). امارات عربی متحده نگران است که عربستان مدعی آب‌های سرزمینی محدوده ۲۰ مایلی شود که راهرویی بین امارات و قطر است. تقاضای عربستان در صورت چنین ادعایی بدین مفهوم خواهد بود که میدان‌های نفتی امارات در حوزه مناقشه و میدان نفتی زرکوه که امارات و قطر در آن سهیم‌اند به عربستان تعلق یابد (ابراهیمی‌فر، ۱۳۸۱: ۲۸).

اختلاف امارات و عربستان با عمان بر سر "واحه بوریمه" و کویت و عربستان بر سر "جزیره ام‌المردام و قروه" - که به ترتیب در فاصله ۱۷ و ۴۰ کیلومتری ساحل ناحیه بی‌طرف واقع شده‌اند- از دیگر موارد اختلافی بین اعضای شورا است که این اختلافات مرزی هر از چندی سر باز می‌کند و به‌طور بالقوه می‌تواند زمینه‌ای برای بروز انشقاق در صف اعضای شورا باشد. هر چند در چهاردهمین نشست که در دوم دی ۱۳۷۲ در منامه برگزار شد شرکت‌کنندگان بر ضرورت پایان دادن به تمامی اختلافات مرزی میان کشورهای عضو تا سال ۱۹۹۵ (۱۳۷۶) تأکید کردند اما عملاً هنوز اقدامی در این زمینه صورت نگرفته است.

ب) **منازعات هژمونیک:** کشورهای عضو شورای همکاری به دلیل اتکاء به درآمدهای بالای نفتی و به مدد میزان قدرت ملی خود، هر کدام در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی درصدد ایفای نقش فعال‌تری هستند، به گونه‌ای که این موضوع باعث شکل‌گیری رقابت منفی بین اعضا شده و هر کدام درصدد ایفای نقش هژمون منطقه‌ای و درون‌شورایی می‌باشند. برای مثال، علاوه بر رقابتی که در سطح کشورهای اتحادیه عرب بین مصر و عربستان بر سر رهبری جهان اسلام وجود دارد در درون شورای همکاری نیز بین عربستان، قطر و امارات عربی متحده برای هژمون درون‌شورایی رقابت منفی وجود دارد. اگر چه با نگاهی به سطح‌بندی قدرت در بین اعضا عربستان از جایگاه

ممتازتری برخوردار است، اما این موضوعی است که قطر و امارات به سادگی حاضر به پذیرش آن نیستند. با نگاهی به سطح‌بندی قدرت ملی در بین اعضا جایگاه هر کشور مشخص است.

### جدول ۱. مجموع امتیازات عوامل هشت گانه و رتبه‌بندی کشورها بر اساس قدرت ملی در شورای همکاری

کشور	اقتصادی	فرهنگی	سیاسی	سرزمینی	علمی	اجتماعی	نظامی	فرامرزی	جمع
عربستان	۶۴	۴۴/۲	۱۹/۵	۹۷/۳	۸۰/۴	۷۲/۲	۸۹	۴۹/۹	۵۱۶/۵
امارات	۴۷/۱	۷۶/۹	۱۵	۳۸/۰۵	۱۴/۸	۷۵/۹	۳۴/۸	۵۴/۳	۳۵۶/۹
کویت	۳۹	۷۲/۶	۱۸/۵	۲۲/۱	۱۵/۶	۷۰/۴	۲۴/۶	۲۱/۹	۲۸۴/۷
عمان	۴/۴	۴۲/۶	۱۸	۳۸/۱	۹/۷	۵۴/۸	۲۹/۱	۲۲/۶	۲۱۹/۳
قطر	۱۹/۲	۴۵/۲	۱۱	۱۸/۱	۱۰/۹	۶۰/۳	۲۴/۵	۲۳/۱	۲۱۲/۳
بحرین	۱۳/۵	۴۷/۹	۱۴/۵	۱۰/۲	۹/۳۵	۶۴/۴	۲۴/۲	۲۲/۵	۲۰۶/۶

منبع: اعظمی، ۱۴۹:۱۳۸۵

آن گونه که در هرم قدرت در زیر نیز مشخص شده است عربستان در سطح اول، امارات در سطح دوم و کویت، عمان، قطر و بحرین در سطح سوم از قدرت ملی در بین اعضا قرار دارند.



هرم سه گانه قدرت در شورای همکاری خلیج فارس

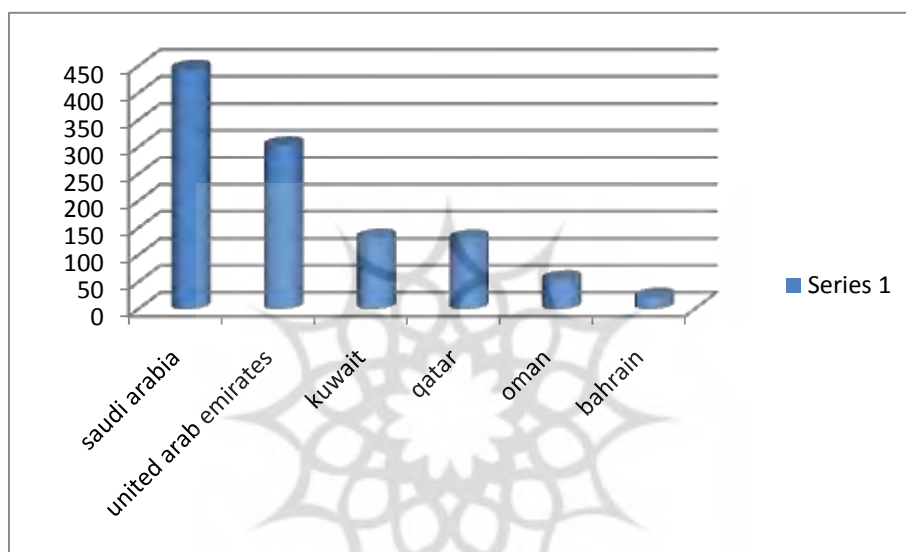
مجموع عوامل قدرت‌زای فوق منجر به رقابت بین اعضا برای کسب هژمون درون شورای شده و گاه اصطکاک‌هایی را نیز سبب شده است. در اجلاس شانزدهم سران شورای همکاری، اختلاف عربستان و قطر بر سر انتخاب دبیرکل شورای همکاری شدت گرفت. کشورهای قطر و عربستان دو نفر را داوطلب این سمت کرده بودند که قطر به نماینده عربستان (حجیلان) رأی منفی داد. امیر قطر در اعتراض به انتخاب نماینده عربستان به عنوان دبیرکل، اجلاس پایانی را تحریم کرد و گفت هر اجلاسی که حجیلان دبیرکل سعودی در آن حضور داشته باشد را تحریم خواهد کرد (پاکدامن، ۱۳۷۵: ۸۶). در سال‌های اخیر نیز قطر به سبب موفقیت در حل بحران‌های منطقه‌ای مثل جنگ ۳۳ روزه لبنان و ۲۲ روزه غزه مصالحه بین دولت یمن و گروه الحوثی، تلاش برای آشتی میان سودان و چاد و اخیراً دخالت در بحران لیبی، یمن و سوریه، مورد حسادت عربستان قرار گرفته است ([www.csr.ir/departments.aspx](http://www.csr.ir/departments.aspx)) و این رقابت منفی به سطح رسانه‌های دو کشور نیز کشیده شده است. در کودتای نافرجام ۲۰۰۹ در قطر نیز نقش رسانه‌های عربستان پررنگ و در عین حال تحریک‌کننده تحلیل می‌شد (اعتماد ملی، ۲۷ مرداد ۸۸: ۶).

این رقابت منفی، مسابقه تسلیحاتی بین کشورهای عضو را نیز دامن زده است. آن‌گونه که روزنامه صهیونیستی جروزالم پست گزارش داده، عربستان سعودی در سال ۲۰۰۸ با هزینه کردن ۳۶ میلیارد دلار (Katz, 23 Aug 2009: 1) برای خرید تجهیزات نظامی رتبه اول را در خاورمیانه به خود اختصاص داده و پس از آن رژیم صهیونیستی و سپس امارات عربی متحده در رده بعدی قرار دارد. کنگره آمریکا نیز اخیراً فروش سامانه تاد (wolf, 8 Sep 2008) به امارات عربی متحده را تصویب کرده و بدین ترتیب امارات اولین کشوری خواهد بود که پس از ایالات متحده این سامانه را به خدمت می‌گیرد و بقیه کشورها نیز با قراردادهای نظامی چند میلیارد دلاری با آمریکا، انگلیس و فرانسه از این قافله عقب نمانده‌اند و این رقابت تسلیحاتی زمینه بی‌اعتمادی بین اعضا را موجب شده است.

**ج) ناهمگونی سطح توسعه اعضا:** اگرچه اکثر کشورهای عضو شورا به مدد درآمدهای بالای نفتی توانسته‌اند از سطح رفاهی نسبتاً خوبی برخوردار باشند، اما شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی به همراه سایر مؤلفه‌های دخیل در افزایش وزن ژئوپلیتیک منجر به یک ناهمگونی در سطح توسعه کشورهای عضو بوده است. برای مثال قطر، بحرین و عمان نمی‌خواهند به سادگی بپذیرند که قدرت اقتصادی درجه ۲ و ۳ شورای همکاری را بعد از عربستان و امارات دارند و گاه ترجیح می‌دهند این ضعف درونی را با مناسبات گسترده با قدرت‌های بین‌المللی و ایفای نقش فعال در معادلات



جهانی جبران نمایند که این موضوع رقابت منفی اقتصادی بین اعضا را موجب شده است. به عنوان نمونه، انعقاد موافقت‌نامه تجارت آزاد بحرین با آمریکا (۲۰۰۴) موجب شد اجلاس بیست‌وپنجم سران در منامه تحت‌الشعاع منازعه بحرین و عربستان بر سر این توافق‌نامه قرار گیرد. با نگاهی به شاخص‌های توسعه در بین کشورهای عضو به ناهمگونی در سطح توسعه این کشورها پی می‌بریم:



نمودار ۱. تولید ناخالص داخلی (GDP) کشورهای عضو شورا - ۲۰۱۰

جدول ۲. رتبه جهانی کشورهای عضو براساس تولید ناخالص داخلی (GDP) - ۲۰۱۰

کشور	عربستان	امارات	کویت	قطر	عمان	بحرین
رتبه جهانی	۲۳	۳۶	۵۴	۵۷	۷۵	۹۷

منبع: بانک جهانی

افزون بر این با نگاهی به میزان مبادلات تجاری و تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو به تفاوت بین این کشورها پی می‌بریم.

جدول ۳. میزان صادرات - واردات کشورهای عضو شورا - ۲۰۱۰

کشور	صادرات (میلیارد دلار)	واردات (میلیارد دلار)
بحرین	۱۷,۳	۱۵,۴
عمان	۲۷,۷	۱۷,۹

۲۴,۹	۶۵,۱	کویت
۲۴,۹	۴۵,۰	قطر
۱۲۱,۸	۱۲۵,۹	امارات عربی متحده
۹۵,۵	۱۹۲,۳	عربستان سعودی

منبع: [www.gccsg.org/index.php](http://www.gccsg.org/index.php)

شاخص‌های مذکور حاکی از وجود اختلاف میان سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی در کشورهای عضو شورا می‌باشد. با نگاهی به جدول بالا در رتبه‌بندی جهانی کشورهای عضو براساس تولید ناخالص داخلی عربستان در رتبه ۲۳ و بحرین در رتبه ۹۷ قرار دارد، یعنی فاصله کشور نخست و آخر در حدود ۶۴ می‌باشد که رقم بالایی است و خواه ناخواه منجر به رقابت‌های منفی می‌گردد.

(د) **بحران‌های هیدروپلیتیک:** یکی از مهم‌ترین موضوعات هیدروپلیتیک موضوع کمبود آب و منابع آن می‌باشد. ژئوپلیتیک آب یا هیدروپلیتیک به مطالعه نقش آب در مناسبات و مناقشات اجتماعات انسانی و ملت‌ها و دولت‌ها می‌پردازد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۲). موضوعات هیدروپلیتیک مانند سایر موضوعات علاوه بر داشتن پتانسیل همگرایی، می‌توانند عاملی برای واگرایی نیز باشند. این موضوع در مناطق فقیر از نظر منابع آب بیشتر محسوس است و خاورمیانه و به‌خصوص کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس نیز از این قاعده مستثنی نیستند. برخی از تحلیل‌گران، اساس بسیاری از تنش‌های آینده را بحران‌های هیدروپلیتیک منبعت از آب می‌دانند، لذا معتقدند در خاورمیانه و به‌ویژه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به عنوان منطقه‌ای که چالش‌های آبی، روند فزاینده خواهند داشت، هر کشوری که منابع آبی غنی‌تری در اختیار داشته باشد در مناسبات ژئوپلیتیک منطقه‌ای توان اثرگذاری بیشتری خواهد داشت. به عبارتی کمبود آب و ارزش روزافزون آن، روز به روز به آن ابعاد سیاسی بیشتری می‌دهد و می‌تواند تنش‌های منطقه‌ای را سبب گردد. با نگاهی به میزان منابع آب در شش کشور عضو بیشتر به کمبود آب شیرین در این کشورها و احتمال تنش‌های آینده پی می‌بریم:

جدول ۴. جمعیت و منابع آب کشورهای عضو در سال ۲۰۰۸

نام کشور	امارات عربی متحده	بحرین	عربستان	عمان	قطر	کویت
جمعیت (میلیون نفر)	۸/۲۶۴	۱/۲۳۴	۲۴/۹	۳/۳	۱/۸۵۳	۳/۴۴۱
آب‌های زیرزمینی (میلیون مترمکعب)	۷۹/۱۵	۱۳۰	۲۰۱	۵۵	۵	۱۲۲

منبع: [www.gccsg.org/index.php](http://www.gccsg.org/index.php)

باتوجه به محدودیت منابع آب، رشد فزاینده جمعیت، رشد شهرنشینی و هزینه سرسام‌آور تصفیه آب دریا در این کشورها بحران هیدروپلیتیک و تنش‌های منبعث از آن از جمله موانع مهم همگرایی این کشورها می‌باشد.

**۵) تعارضات ایدئولوژیک:** هر چند اسلام دین مشترک اکثریت مردم این کشورهاست و غالب آن‌ها سنی‌مذهب می‌باشند، اما اکثر این کشورها قرائت منبعث از حاکمیت سعودی (وهابیت) و هزینه هنگفت تبلیغی این آئین که منجر به شکل‌گیری ذهنیت خشن از اسلام در اذهان شده را نمی‌پسندند و آن را باعث وهن اسلام می‌دانند و بارها ناخشنودی خود را به مسئولان سعودی ابراز داشته‌اند (جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۱۲/۹). افزون بر آن، رویکردهای متفاوت دولت‌های عربی در قبال شیعیان موجود در کشورها نیز از دیگر موارد اختلاف بین اعضا می‌باشد، چرا که بحرین نمی‌تواند جمعیت ۷۰ درصدی شیعیان خود را نادیده انگارد و ناچار به اتخاذ رویکردی متفاوت از عربستان می‌باشد که تنها حدود ۱۵ درصد آن را شیعیان تشکیل می‌دهند. اگرچه تحولات بیداری اسلامی باعث مداخله آشکار عربستان در بحرین گردید و رویکرد این دو کشور را در رویارویی با شیعیان به هم نزدیک نمود اما در دیگر کشورها مثل کویت وضعیت شیعیان اندکی متفاوت است. به همین لحاظ، عربستان همواره به اتخاذ رویکرد خشن در قبال شیعیان روی آورده، در حالی که در دیگر کشورها مثل کویت وضعیت شیعیان اندکی متفاوت است. دولت کویت فضای سیاسی را برای شیعیان بازتر نگه داشته و همواره درصدی از نمایندگان مجلس را تشکیل می‌دهند و با دولت نیز روابط حسنه‌ای دارند. بحرین نیز هر چند حاضر به رعایت حقوق واقعی شیعیان در حاکمیت نیست و تظاهرات آنان را سرکوب نموده و به ناچار و در اثر فعالیت ممتد احزاب شیعی، به پذیرش درصد ناچیزی از این حقوق تن داده بود، اما با حوادث اخیر و سرکوب انقلابیون بحرینی - که هنوز نیز ادامه دارد - تمام دستاوردهای نیم‌بند دموکراتیک خود را از دست داد. این رویکردهای متفاوت علاوه بر این که مانع اتخاذ رویکرد مشترک در قبال شیعیان می‌باشد و مشروعیت داخلی برخی از این کشورها مثل بحرین را نیز زیر سؤال برده، بلکه مانعی جدی در سیاست‌گذاری واحد در قبال این موضوع در شورای همکاری خلیج فارس است.

تعصبات سنتی حاکم بر این کشورها و تأثیر آن بر سیاست‌های راهبردی در اداره کشور نیز از موانع جدی همگرایی اعضا می‌باشد. در حالی که قطر و کویت پس از رهایی از اشغال توسط عراق سابقه آزادی‌های اجتماعی و فرهنگی محدودی را در کارنامه خود دارند، عربستان سعودی هنوز نه تنها با برگزاری انتخابات موافقت نکرده بلکه زنان و اقلیت‌های دینی و اجتماعی با محدودیت‌های غیر قابل انکاری مواجه‌اند (دومه، ۱۳۸۶:

۱۲) و لذا ناهمگونی وضعیت جمعیتی موجب اتخاذ سیاست‌هایی مغایر با حس اعتماد نسبت به دیگر کشورها شده است (ابراهیمی فر، ۱۳۸۱: ۱۱۰). این رویه‌های متفاوت در بین اعضای شورای همکاری، اتخاذ سیاست واحد در قبال بحران‌های داخلی و درون شورایی را با مشکل مواجه نموده است.

**و) چالش وحدت پولی:** علاوه بر ایجاد منطقه آزاد تجاری (۱۹۸۳)، اتحادیه گمرکی (۲۰۰۳) و بازار مشترک (۲۰۰۸)، اتحادیه پولی در میان کشورهای عضو نیز از مفاد موافقت‌نامه ۱۹۸۱ و از ابعاد همگرایی اقتصادی در شورای همکاری خلیج فارس تلقی می‌شده که اصول کلی آن از سال‌ها پیش مورد توافق قرار گرفته ولی مناسب نبودن بستر اقتصادی در برخی از کشورهای عضو مثل عمان برای پذیرش این تغییر و اعتراض امارات به واگذاری امتیاز مقر بانک مرکزی پول واحد به عربستان سعودی (Times, 21 may 2009: 2) باعث شده تا ایجاد این اتحادیه به سال‌های آتی موکول شود. شورا تصمیم گرفته مناسب نبودن بستر اقتصادی برخی از اعضا مانعی برای اجرای طرح ایجاد نکند و اگر کشوری نتواند خود را با این تغییر وفق دهد در سال‌های بعد به این اتحادیه پولی بپیوندد، امری که در صورت تحقق مبادلات تجاری اعضا را با مشکل جدی مواجه می‌کند، چرا که برخی کشورها طبق اعلام رسمی خود هنوز نتوانسته‌اند بستر اقتصادی کشور را برای این تغییر ساختاری آماده نمایند. مضافاً این که تجربه اتحادیه پولی در این کشورها برخلاف اتحادیه اروپا که به واسطه توانمندی‌های اقتصادی و صنعتی اعضا توانست در مقابل ارزهایی مثل دلار و ین ژاپن عرض اندام کند، در این کشورها تأثیرات بالای آن در مناسبات اقتصادی بین‌المللی جای تردید وجود دارد. علاوه بر موارد مذکور ضریب پائین تحرک (نیروی کار، سرمایه و...) در میان کشورهای عضو، تنوع اقتصادی پایین و مکمل نبودن اقتصاد کشورها، سطح پایین تجارت در میان اعضای شورا نسبت به تعاملات تجاری کلی آن‌ها، یک پارچگی پیچیده در سطح اقتصاد کلان، تکیه اقتصاد اعضا به صدور انرژی و واردات کالاهای لوکس، همگرایی کم بازار مالی و استراتژی‌ها و سیاست‌های توسعه‌ای ناسازگار، از دیگر موانع اقتصادی همگرایی در شورای همکاری محسوب می‌شود.

**ز) سایر تعارضات درونی:** اعضای شورا علاوه بر اختلافات مرزی و منازعات هژمونیک دارای تعارضات درونی متعددی هستند که هر از چندی خودنمایی می‌کند و دیدگاه‌های متفاوتی در تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی را سبب شده است. اولین انشقاق در صف اعضای شورای همکاری خلیج فارس را جنگ عراق علیه ایران به وجود آورد موضوعی که خود یکی از دلایل تشکیل شورا قلمداد شده است. اگر چه اکثر کشورهای عربی از صدام حسین حمایت مالی و سیاسی نمودند اما نوع و میزان حمایت و پشتیبانی

کشورها متفاوت بود. در حالی که عمان پس از یک مقطع حمایت بی‌قید و شرط از عراق، سال ۶۴ در یک تغییر موضع متعادل سعی کرد خود را بی‌طرف نشان دهد، کویت و عربستان با حمایت‌های مالی بی‌سابقه (حدود ۶۰ میلیارد دلار) عراق را یاری نمودند (درودیان، ۱۳۸۰: ۳۱-۳۲). پیش از حمله عراق به کویت نیز، عراق سفارت کویت را در بغداد تعطیل کرد تا این که پس از سقوط صدام، کویت تصمیم به بازگشایی سفارت خود در بغداد نمود، ولی سفارت بقیه کشورهای عضو، به‌رغم مناقشه عراق و کویت حتی در زمان حکومت صدام حسین نیز به کار خود ادامه می‌دادند.

این شورا در زمینه نحوه رویارویی با ایران دارای دو گرایش منفی و محتاط بوده است. عربستان سعودی و کویت همواره طرفدار شدت عمل و امارات و عمان طرفدار حفظ حداقلی مناسبات و نبستن تمام راه‌های پیش رو در مواجهه با ایران بودند. البته این دو کشور نیز در طول جنگ تحمیلی از مواضع واحد شورا در محکوم کردن مستمر ایران حمایت می‌کردند ولی همواره سعی داشتند دریچه گفتگو با ایران باز بماند (مرکز تحقیقات جنگ، ۱۳۸۱: ۲۹). دولت عربستان در آوریل ۱۹۸۸ یعنی هشت ماه پس از کشتار حجاج ایرانی و یک هفته پس از تهاجم آمریکا به سکوه‌های نفتی و کشتی‌های جنگی ایران، با هدف فشار روانی به‌طور یک‌جانبه به قطع مناسبات سیاسی با جمهوری اسلامی ایران اقدام کرد و به دیپلمات‌های ایرانی در خاک آن کشور یک هفته مهلت داد که عربستان را ترک نمایند. شاید ریاض با توجه به نقش محوری خود در شورای همکاری این انتظار را داشت که سایر اعضا نیز در این زمینه به او تاسی کنند ولی صرف‌نظر از بحرین و کویت که به صورت لفظی حمایت کردند سایر اعضا مثل امارات، قطر و عمان نمی‌خواستند خود را وارد یک درگیری سیاسی با ایران نمایند (نعیمی ارفع، ۱۳۷۰: ۱۱۶).

از دیگر موضوعاتی که تعارضات درونی شورا را پرنگ‌تر نموده، نوع و سطح رابطه با رژیم صهیونیستی است که در برخی مقاطع بعضی از کشورهای عربی مثل قطر و عمان همکاری‌های گسترده‌ای با این رژیم داشتند و اجازه گشایش چند مرکز تجاری و بازرگانی صهیونیستی توسط این دو کشور، اعتراض دیگر اعضا را در پی داشته است. کشورهای عضو را از نظر موضع‌گیری درمقابل اسرائیل می‌توان به سه گروه تقسیم کرد: دسته نخست که عربستان و کویت را شامل می‌شوند، به‌طور آشکار رابطه سیاسی و تجاری با تل‌آویو برقرار نکرده‌اند. دسته دوم شامل بحرین و امارات که به‌طور پنهانی و جسته‌گریخته با رژیم صهیونیستی رابطه داشته و علاقه‌ای به تظاهر به آن ندارند. دسته سوم که قطر و عمان را شامل می‌شوند با ادعای طرفداری از فلسطین، هر از گاهی با مقامات تل‌آویو دیدار می‌کنند و اسرائیل در پایتخت‌های دو کشور دفاتر تجاری دایر

کرده است (شهبابی، ۱۳۸۶: ۲۲۶). عمان نخستین کشوری بود که در اول اکتبر ۱۹۹۵ با رژیم صهیونیستی روابط سیاسی رسمی برقرار کرد (جعفری ولدانی، ۱۳۸۱: ۲۱۱). موضوع نوع تعامل اعضا با تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی نیز محل مناقشه کشورهای شورای همکاری است. در حالی که عربستان سعودی معتقد است ریاض به نمایندگی از سایر اعضا و به‌عنوان ام‌القراباید نقش محوری خود را بین اعضا حفظ کند و سایر اعضا، اگر گاه و بی‌گاه اقدامی هم انجام می‌دهند باید با برادر بزرگ‌تر خود یعنی عربستان هماهنگ نمایند، قطر و دیگر اعضا با ایفای نقش فعال در تحولات، عملاً این توصیه اخلاقی مقامات ریاض را به‌سخره گرفته‌اند که آخرین نمود آن نیز نقش مثبت قطری‌ها در مناقشه رژیم صهیونیستی با حماس (غزه) و حزب الله بود و حتی بعد از تحریم حماس توسط غرب و رفتارهای دوگانه سعودی‌ها، امیر قطر در سفر به ترکیه تلاش‌های عربستان سعودی برای حل اختلافات گروه‌های فلسطینی را ناموفق توصیف کرد (روزنامه ایران، ۸۸/۵/۲۸: ۲۳).

موضوع دیگری که می‌توان به این مناقشات افزود اختلاف نظر در مورد عضویت عراق و یمن در شورای همکاری است. در حالی که عراق به لحاظ ژئوپلیتیک شرایط عضویت در این شورا را دارد و هنوز سیگنال‌های مثبتی از اعضا دریافت نکرده، یمن به دلیل همسویی با اهداف سیاسی شورا، امیدوار به پیوستن به شورا است (Yemen Times, December 19, 2006) و یا دعوت از اردن و مراکش جهت پیوستن به شورا که شگفتی تحلیل‌گران را در پی داشت. پیوستن کشورهایمانند اردن که اعتراضات عظیم مردمی را به تازگی از سر گذرانده و مغرب که به صورت بالقوه می‌تواند دستخوش تحولاتی چون رویدادهای مصر و تونس شود و دامنه رسوخ بحران را به جبهه کشورهای محافظه‌کار عربی در چارچوب شورای همکاری، تسری دهد. گذشته از این مسائل، باتوجه به ناکامی‌های شورا در استفاده از امکانات نرم افزاری چون دیپلماسی در سطح بین‌ملی، اقلان عمومی در سطح فروملی، استفاده مکرر از امکانات سخت‌افزاری مانند نیروهای نظامی و سیر تحول چالش‌های امنیتی سخت به تهدیدات امنیتی نرم در جوامع عربی منطقه، کارایی ابزارهای نظامی و امنیتی مانند "سپر دفاعی جزیره" را در دست کشورهایمانند عربستان، به حداقل رسانده و تنگناهای تازه‌ای در برابر اعضای شورای همکاری خلیج فارس پدید خواهد آورد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۹۰/۳/۸: ۱۳).

تناقض در رفتار و تصمیم‌گیری‌های شورای خلیج فارس نشان می‌دهد این شورا با دو رویکرد کاملاً متفاوت روبه‌روست. یک رویکرد که هدایت آن را عربستان سعودی به عهده دارد با هرگونه تغییر اساسی در برخی کشورهای عربی مخالف است، زیرا رهبران عربستان این تغییرات را به زیان کشور خود می‌دانند.

رویکرد دیگر که قطر آن را رهبری می‌کند، بر ضرورت ایجاد یک سلسله اصلاحات سیاسی در ساختار قدرت کشورهای عربی تأکید می‌کند. لذا در جریان رخدادهای اخیر یمن و بحرین، شورای همکاری خلیج فارس دچار تناقض آشکاری شد و دو رویکرد کاملاً متفاوت اتخاذ کرد.

### نتیجه‌گیری

شورای همکاری خلیج فارس در آستانه ورود به دهه چهارم فعالیت خود؛ با وجود اهداف بلندی که در ابتدای امر در زمینه همگرایی اقتصادی و امنیتی ترسیم کرد، هنوز در عملی کردن بسیاری از این اهداف در ابتدای راه قرار دارد.

بی‌توجهی به پیش‌فرض‌های تشکیل یک همگرایی، اختلاف‌های مرزی و سیاسی کشورهای عضو، ساختار سیاسی کشورهای عضو، چالش‌ها و بحران‌های داخلی در برخی کشورهای عضو نظیر بحران مشروعیت، چالش وحدت پولی، منازعات هژمونیک، ناهمگونی در سطح توسعه اعضا، تعصبات سنتی قبیله‌ای، وابستگی سیاسی و امنیتی به قدرت‌های فرامنطقه‌ای از جمله آمریکا، حضور و مداخلات نیروهای بیگانه در منطقه و جلوگیری آن‌ها از شکل‌گیری ترتیبات اقتصادی و سیاسی درون‌زای منطقه‌ای و سرانجام نبود توجه لازم به توسعه روابط با کشورهای دیگر منطقه و بهره‌گیری از ظرفیت بالای آن‌ها در افزایش همکاری‌های منطقه‌ای را می‌توان از جمله عوامل دانست که شورای همکاری خلیج فارس را از تبدیل شدن به یک سازمان قدرتمند و پویای منطقه‌ای بازداشته است.

به نظر می‌رسد شورای همکاری خلیج فارس باید با پرهیز از نگاه قومیتی و مذهبی و بازتر نمودن دایره اعضا و جهت نیل به وحدت کشورهای اسلامی همسایه و دعوت از دیگر کشورهای تأثیرگذار منطقه‌ای مانند عراق و ایران- که به دلیل همسایگی با خلیج فارس می‌توانند جزو کشورهای شورای همکاری خلیج فارس محسوب شوند- در جهت تقویت همگرایی منطقه‌ای گام بردارند، اما باز کردن درهای شورای همکاری خلیج فارس بر روی دو کشور اردن و مراکش بلافاصله پس از وقوع انقلاب‌های عربی، آن هم در صورتی که هیچ‌یک شرایط الحاق به این ساختار را ندارند و از همجواری جغرافیایی نیز برخوردار نیستند علامت سؤال‌های جدی را در اذهان پدید آورده است. در میان پارامترهای همگرایی، موقعیت جغرافیایی از اهمیت بیشتری برخوردار است. اما به نظر می‌رسد این بار جدای از اردن، الحاق مراکش هدفی فرامنطقه‌ای را

دنبال می‌کند آن هم در حالی که وارد کردن این عضو آفریقایی فقیر به جز هزینه، دستاورد دیگری نمی‌تواند برای پادشاهی‌های خلیج فارس داشته باشد.

## منابع

۱. ابراهیمی‌فر، طاهره (۱۳۸۱)، الگوهای اعتمادسازی در منطقه خلیج فارس، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۲. اعظمی، هادی (۱۳۸۵)، وزن ژئوپلتیک و نظام قدرت منطقه‌ای (بررسی موردی جنوب غربی آسیا)، فصلنامه ژئوپلتیک، سال دوم، شماره ۳ و ۴.
- افشاری، پرویز و احمد سلطانی‌نژاد (۱۳۸۴)، همگرایی و واگرایی منطقه‌ای، مجموعه مقالات پانزدهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس، جلد اول، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۴. اکبر، سیدعبدالله (۱۳۸۷)، عوامل بازدارنده در همگرایی کشورهای حوزه خلیج فارس، ماهنامه رویدادها و تحلیل‌ها، شماره ۲۲۹، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۵. امیر قطر: عربستان در حل اختلاف فلسطینی‌ها ناموفق است (۸۸/۵/۲۸)، روزنامه ایران، شماره ۴۲۸۹.
۶. پاکدامن، رضا (۱۳۷۵)، سلسله مقالات خاورمیانه‌شناسی، شورای همکاری خلیج فارس بررسی مواضع و جهت‌گیری‌ها، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
۷. پشت پرده کودتا در قطر (۲۷ مرداد ۸۸)، اعتماد ملی، شماره ۹۸۸.
۸. جاسبی، عبدالله (۱۳۸۰)، ریشه‌های پیدایش منازعات ارضی در خلیج فارس، چاپ اول، دفتر فرهنگ مقاومت.
۹. جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۱)، ژئوپلتیک جدید دریای سرخ و خلیج فارس، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۱۰. جعفری ولدانی، اصغر (آذر و دی ۱۳۷۱)، "نگاهی به اختلافات مرزی بین عربستان و قطر"، ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۶۳ و ۶۴.
۱۱. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.
۱۲. درودیان، محمد (۱۳۸۰)، پایان جنگ: سیری در جنگ ایران و عراق، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات سپاه.
۱۳. دومه، الانور عبدالله (۱۰ خرداد ۸۶)، محدودیت‌های اقتصادی و اجتماعی زنان عربستان، ترجمه: نوشین کشاورزینیا، روزنامه سرمایه، شماره ۴۷.



۱۴. روشندل ، جلیل و حسین سیف‌زاده (۱۳۸۲)، تعارضات ساختاری در منطقه خلیج فارس، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه .
۱۵. شهبابی، سیفالرضا (۱۳۸۶)، دیدگاه‌های شورای همکاری خلیج فارس، تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۶. شورای همکاری خلیج فارس و مشکلات ساختاری (۸ خرداد ۱۳۹۰)، روزنامه اطلاعات، شماره ۲۵۰۴۳.
۱۷. قاسمی نراقی، علی‌اصغر (۱۳۷۸)، شورای همکاری خلیج فارس، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۱۸. قرارداد تجاری بین آمریکا و بحرین (۲۱ آذر ۱۳۸۳)، روزنامه همشهری .
۱۹. قطر سیاست‌های خود را از عربستان جدا می‌کند (۹ اسفند ۱۳۸۸)، روزنامه جمهوری اسلامی .
۲۰. قوام ، عبدالعلی (۱۳۷۰) ، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران: قومس.
۲۱. کاظمی، سید علی‌اصغر (۱۳۷۰)، نظریه همگرایی در روابط بین‌المللی "تجربه جهان سوم"، تهران: چاپ پیک ایران.
۲۲. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ (۱۳۸۱)، روزشمار جنگ ایران و عراق، جلد پنجاه و دوم، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
۲۳. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: سمت.
۲۴. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۵)، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس، ترجمه: حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۲۵. نعیمی ارفع، بهمن (۱۳۷۰)، مبانی رفتاری شورای همکاری خلیج فارس در قبال جمهوری اسلامی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۲۶. هاگت ، پیتر (۱۳۷۶) ، جغرافیای ترکیبی نو ، ترجمه: شاپور گودرزی‌نژاد ، تهران: سمت.

27. Chilcote, Ronald (1994), Theories of Comparative Politics, the Search for a Paradigm, Westview Press, Boulder, Colorado.
28. Coulombis, Theodore A., Wolfe, James H (1986), Introduction to International Relations Power and Justice, Englewood Cliffs, New Jersey,
29. Data Refer Mostly to the Tear 2010. World Development Indicators database, World Bank. Accessed on September 29, 2011.
30. Dougherty James and Pfaltzgraff Robert (2000), Contending Theories in International Relations, Philadelphia, J. B Lippincott Company,

31. Katz, Yaakoy, (23 Aug 2009), Saudis, Israel to Lead Mideast Arms Buys, Jerusalem Post .
32. Spencer, Herbert (26 Mar 2010), Naval Battle between UAE and Saudi Arabia Raises Fears for Gulf Security, Telegraph .
33. Times (21 May 2009), United Arab Emirates Exit Leaves Gulf Currency Plan on Brink of Failure.
34. Wolf, Jim (8 Sep 2008), Reuters, U.S. Plans \$7 Billion Missile-defense Sale to UAE.
35. "Yemen Hopeful to Join GCC in 2016", Yemen Times. December 19, 2006. In:  
<http://yementimes.com/article.shtml?i=905&p=local&a=7>. Retrieved 2007-04-07.
36. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13910130000645> (۱۳۹۱/۱/۳۰)
37. [www.farsnews.com/newstext.php?nn=9001231592-2](http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=9001231592-2)
38. [www.veyq.ir](http://www.veyq.ir)
39. <http://www.telegraph.co.uk>
40. [www.gccsg.org/index.php](http://www.gccsg.org/index.php)

